وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال اول – شماره دوم – دوشنبه ۲۰ عقرب ۱۳۸۱ – ۶ رمضان المبارک ۱۴۲۳ – ۱۱ November ۲۰۰۲

رمضان در سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم

از ابوسعیدالخدری رضی الله روایت شده است :
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هیچ بندهٔ یی نیست که یک روز در راه خدا روزه گیرد مگر اینکه خداوند به آن روز وی را هفتاد سال از دوزخ دور می دارد. (متفق علیه)

ازابوهریره رضی الله عنه روایت شده است :
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: روزه گیرید به دیدن "هلال" و افطار کنید به دیدن آن پس اگر پوشیده شد برشما عدهٔ شعبان سی روز را تمام کنید. (صحیح بخاری)

ستر جنرال عطامحمد قوماندان قول اردوی (۷) در گفت و شنود با مجاهد:

من و دوستم یا هردو ازهمه اوامر مرکز اطاعت کنیم، یا از کار سبکدوش شویم، جنگ در شمال پایان می یابد

درایـن روز هـا سـتر جـنرال عطـامحمد قومـاندان قـول اردوی شـماره (۷) بـه کـابل آمـده اسـت، کـه خـبر نگـار "مجـاهد" گفـت وشـنودی بـا ایشـان انجـام داد ونخسـت در بـارهٔ علـل اختلافات و تنشهای شـمال از اوی پرسـید، وی در پاسـخ گفـت: ایـن اخـتلافات مـیراث ۲۳ سـال جـنگ در کشـور اسـت و قسـمت دیگر آن خـود خواهـی هـای بعضـی قومانـدانـان و مسـوولین سـاحه اسـت کـه خواهـان آنند تا بازهم از میـل تفنـگ نـان بدسـت آرند وبـالای مـردم تسـلط داشـته باشـند وسـوم، توسـعه طلبـی از جانـب مسـؤولان اسـت کـه قوماندانـان خـودرا تشـویق مـی کـنند، امکانـات مـی دهـند تـا سـاحه و اراضـی بیشـتر ازآن شان باشد.

در جـواب ایـن سـوال کـه گفـته مـی شـود ایـن جـنگ جنگ تاجیکها و ازبـیک ها ویا جـنگ مجاهدیـن و غـیر مجاهدیـن اسـت، گفـت: همیـن حـالا کـه در فاریاب کشمکش صـورت مـی گـیرد کـل نیرو ما ازبـیک اسـت، در بلـخ ما نیروها ی پشـتون داریـم، در شـولگر کـه کشـمکش مـی شـود اکثریـت در گـیری بیـن ازبـیک و پشـتون و عـرب اسـت کـه تـنها عـده یـی از ازبـیک هـا مـربوط دوستم میباشـند اینطور نیسـت کـه چـون مـن تاجـیک هسـتم و نـیروهای کـه در شـمال دارم همـه تاجـیک هسـتند وهـم چـنان اینکه مردم جنگ هـای حق خواهانـه یـی مـارا جـنگ جنـبش و جمعیـت قلمـداد مـی کـنند، اشـتباه محـض اسـت. ومـا هـیچ حملـه یـی را بـالای آنهـا انجـام نـداده ایـم بلکـه همیشـه مدافـع بـوده ایـم. ومـی شـود درایـن بـاره تحقـیق صـورت پذیـرد، اگـر موردي پـیدا شـود که ما برآنان حمله کرده ایم، ملزمیم.

ص ۵



حامد کرزی:

با جنگ سالاری مبارزه می کنیم

حـامد کـرزی طـی مصـاحبه یـی بـا روزنامـه واشـنگتن پوسـت تاکـید ورزیـده اسـت کـه علـیه جـنگ طلـبان مـبارزه قـاطع نمـوده و قوماندانانـی کـه ازشـیوهٔ جـنگ سـالاری پـیروی مـی کـنند بـا عواقـب وخیم مواجـه خواهـند شـد. کـرزی افـزود کـه اعمـال ایـنگونه قوماندانـان بـا پالیسـی اداره انتقالـی و خواسـت ملـت افغانسـتان در تضـاد اسـت. در ایـن حـال واشـنگتن پوسـت از منابع رسـمی امریکا نقل نموده است که قصـر سـفید از موقـف حـامد کـرزی بـر ضـد جنگسـالاران حمایـت می کند

دملگرو ملتونو دسرمنشي ځانګړي استازي د جمعیت اسلامي افغانستان له پلاوي سره وکتل

دعقـرب پـه پنځلسـمه دملګـرو ملـتونو دسرمنشـي ښاغلـي کوفـي عنان ځـانګړي پـلاوي دمیرمـن کاریـنا پـه مشـرۍ د "جمعیـت اسـلامي افغانسـتان لـه پـلاوي سـره ددي تنظیم پـه مرکـزي دفـتر کې وکتل.

په دي کتنه کې د جمعیت اسـلامي پلاوي د تیري بیړنۍ لویـې جرګې د نیمګړتیاوو پـه هکلـه خـبرې وکـړې او دراتلونکـي لویـې جـرګې او اساسـي قـانون او د جمعیـت اسـلامي افغانسـتان د نویـو پالیسیو په باب رڼا واچوله.

دواړو لوریو له مخکې نه هم کتنې لـړلې اووېـل شو چې د سیاسـي حالاتو پـه بـاب پـه د افکـارو تبـاد له دوام ومومـي. د جمعیـت اسـلامي پـه پـلاوي کـې د سیاسـي دفـتر مـوول عبدالسـتارمراد دفرهنګـي دفـتر رئـیس عبدالشـکور واقـف او داداري او مالـي چـارو مـوول واصـل نـور ګډون درلود.

دیموکراسۍ دپیرنیو سرسنو دلګولوپه باب دي څیړنه وشي

۶مخ

جهانی شدن

ص ۵

حلقهٔ وصل "پایان تاریخ" و "جنگ تمدن ها"

داداري سوونې بهير دې ټکنى نه شي

۳مخ

پوهنیار محمد شریف شریفی:

۲۸۶ میلیارد افغانی، ۵۵ هزار دالر و ۲،۲۳ ملیون کلدار در ادارات دولتی اختلاس شده است

سـمینار بازسـازی اداره کنـترول وتفتـیش در تـالار اداره امـور دایـر گـردید. در ایـن سـیمینار محمـد شـریف شـریفی پـیرامون بازسـازی اداره و لـزوم نـو آوری هـا در نحـوهٔ کـار ادارهٔ کنـترول و تفتـیش صـحبت نمـوده و افـزود ایـن اداره در طـول چهـار بـرج گذشـته بـه مـبلغ ۲۸۴ ملـیارد افغانـی، ۵۵ هـزار دالـر و ۲،۲۳ ملـیون کلـدار کـه در ادارات دولتـی اختـلاس شـده اسـت، را یاداشـت و بـیرون کشیده است.

سرمقاله

قانون اساسی وجامعهٔ مدنی

ص ۲

بازسازی شاهراه کابل- قندهار- هرات آغاز گردید

در محفلـی کـه بمناسـبت آغـاز کـار بازسـازی شـاهراه کـابل، قـندهار –هـرات در ۴۰ کیلومـتری شـهر کـابل تدویـر یافته بـوده کـار شـاهراه توسـط حـامد کـرزی رئـیس دولـت انتقالـی اسـلامی افغانسـتان رسـماً افتتاح گـردید. ایـن شـاهراه بـه مصـرف ۱۸۰ میلـیون دلار امریکایی بـه کمـک مالی کشور عربسـتان سـعودی، جاپـان و آمـریکا انجام مـی یـابد درایـن مراسـم سـفرای کشـور هـای متذکره نیز اشتراک داشتند.

جنرال عطا محمد و جنرال دوستم به خلع سلاح افراد خود موافق اند

آقـای ایسـلو سـخنگوی سـازمان ملـل مـتحد در کـابل بـه خـبرنگاران اظهـار داشـت: قـرار است خلـع سـلاح گـروپ هـای رقیـب در ولسـوالی شـولگره ولایـت بلـخ شـروع شـود وجـنرال عطـا محمـد و دوسـتم خلـع سـلاح را نظارت خواهـند کـرد. بـه قـول آقـای ایسـلو ایـن موافقـه بیـن گـروپ هـا بـه کمـک ملـل مـتحد صـورت گرفـته اسـت. ایـن دومیـن موافقتنامهء اسـت کـه در ظـرف یکسـال صـورت مـی گـیرد ولـی جـنگ هائیکه بیـن ایـن گـروپ هـا صـورت گرفته ده هـا نفـر ملکـی جـان خویـش را از دست داده اند.

پول جدید درکارزار کهنه

صفحه دوم

- مبارکی به آواز پر جبرئیل
- آزادی
- دا به څه وي؟
- غزل
- شعر آزاد نیمایی

ص ٤

در رحاب رمضان

ص ۲

یک گفتني مهم

مجاهد با تکیه بر ارزشهای انسانی پایدار وافتخارات دوران جهاد ومقاومتش وارد عرصه کارزار نوین بازسازی ونوسازی شده است .در این کار بیشتر از بیش خود را نیازمند یاری فرهنگیان ، نویسنده گان و شاعران و هنرمندان هموطنش می داند تا با اخلاص و صمیمیت اورا دست گیرند و کارهای خویش را به نشانی های او بفرستند.

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
ناشر : ریاست کمیتهء فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چاراهی زنبق
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

قانون اساسی وجامعهٔ مدنی

ایجاد جامعهٔ مدنی در افغانستان از مهم ترین مسایلی است که میثاق بن و فیصله های لویه جرگهٔ اضطراری و تعهدات رئیس دولت در این لویه جرگه بر آن تأکید ورزیده است. و از بارزترین ویژگیهای جامعهٔ مدنی قانونمند بودن آن است که قانون حدود وثغور فعالیت های افراد و دولت و رابطه میان دولت ومردم را روشن می سازد. قانون اساسی به گونهٔ بلند ترین وثیقهٔ ملی چهارچوب و شیرازهٔ این قانونمندی است.

امروز غالباً کشور های جهان به ویژه کشور های مبتنی بر نظام دموکراسی دارای قانون اساسی اند، کشور ما افغانستان نیز تجربه هایی را به گونهٔ قانون اساسی پشت سر نهاده است و جدی ترین آنها همان است که به دههٔ دموکراسی دوران شاهی تعلق دارد که در سال ۱۳٤۳ ازتصویب لویه جرگه گذشت و به عنوان قانون اساسی مرحلهٔ کنونی نیز پذیرفته شده است.

اما قانون اساسی آیندهٔ کشور که برپایهٔ موافقتنامهٔ بن و فیصلهٔ لویه جرگهٔ اضطراری تهیه می شود و به تاریخ ۱۲ عقرب رسماً کمیسیونی جهت تدوین آن موظف گردید، باید سرنوشت دگرگونه یی داشته باشد.

این قانون اساسی باید پاسخگوی تمامی نیازمندیهای جامعهٔ کنونی افغانستان باشد، به همه بحرانهای مزمن سیاسی اجتماعی آن راه های حل عادلانه جستجو کند ودروازه های توسعه و تکامل را با لحاظ داشتن ارزشهای اصیل دینی و فرهنگی اش به روی آن باز نماید و جایگاهی شایسته در خانوادهٔ جهانی برای آن کسب کند. زدودن بحرانهای سیاسی اجتماعی مزمن - که اکثر ناشی از سیاستهای ظالمانه وناراستین حکومتهای پیشین بوده است و بحرانهای کنونی غالباً ریشه از آنها دارد - و ایجاد وحدت ملی بر پایه عدالت و برادری وپی ریزی یک نظام پایدار مردمسالار وبستن دروازه های استبداد ودیکتاتوری و زودن غبار ذلت فقر و دریوزگی از چهره این ملت سر افراز و هموار کردن دشواریهای راه توسعهٔ اقتصادی واجتماعی از اولویتهای مهم این قانون است .

فرهنگ اسلامی در زمینهٔ قانون گذاری در پهلو های گونه گون از زمانه های پیشین تجربه های درخشانی داشته است ؛ قانون اساسی فرانسه که مقام مادر را برای بسیاری از قانون های اساسی کشور های دیگر دارد در بسیاری از مواد خود وام دار فقه اسلامی است که این مسأله از دید محققان منصف خاور وباختر پویشدنی است ، درکار تدوین قانون اساسی بایدبه این میراث گرانسنگ توجه در خور صورت گیرد وازتجربه های سودمند ملتهای دیگر به ویژه آنانی که با ما تجربه وسرنوشت همگون داشته اند به گونهٔیی گسترده استفاده گردد بی آن که ارزشهای اصیل فرهنگی و دینی ما از نظر افگنده شود. ودر یک سخن این قانون باید بحران زدا وسعادت آور باشد نه این که بحرانی دیگر آورد وبدبختی یی تازه بیافریند.

کمیسیون برگزیدهٔ تسوید قانون اساسی که اعضای آن غالباً از شایستگی ارزشی و علمی بهره مندند، امیدواری دست یافتن به این چشم انداز ها را بیشتر می سازد و ما از خداوند تبارک وتعالی برایشان توفیق می خواهیم.

در رحاب رمضان

به قلم واقف حکیمی

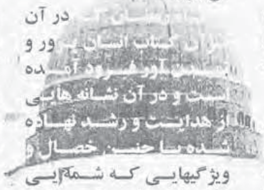
روزه ماه رمضان چنان که بر سایر امم پیشین فرض گردیده بود بر مسلمانان نیز فرض شد و قرآن کریم ضمن اعلام این امر فلسفه و حکمت وجوب روزه در این ماه را دست یافتن انسان مسلمان به مرتبت تقوی بر می شمارد: (یا أیهاالذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم، لعلکم تتقون)سورهء بقره / ۱۸۳ "ای مؤمنان روزه داشتن برشما چنان که بر امتهای پیشین فرض گردیده بود فرض شد؛ تا تقوی دار شوید". برخی تقوی را دوری جستن از گناهان گفته اند چون روزه شهوت و خواسته های نفس را عقیم می کند یا در هم می شکند، و برخی دیگر تقوی را فراتر از اجتناب از معاصی دانسته و آن را حتی دوری جستن از امور مشتبه خوانده اند. رمضان با امساک از خورد و نوش وهمخوابگی با همسر ملکه یی را در وجود انسان پرورش می دهد تا دشواریهای امتناع ورزیدن از محرمات و معاصی فرا روی او هموار شود. مگر پایهء همهء معاصی و گناهان که تجاوز بر حقوق پروردگار و دیگران و ستم ورزیدن در بارهء آنان را در بر می گیرد، خواسته های نا مهذب نفس سرکش آدمی نیست؟

اسلام با تشریع روزه در ماه رمضان می خواهد، انسان جایگاه انسانی خویشتن را در یابد و از خلق درندگی و حد شکنی به مهرورزی با دیگران و مرزشناسی در برابر پروردگار خویش روی آورد.

اگر انسان روزه دار نتواند در طی ماه رمضان به این کمالات انسانی دست یابد که آن لب این فریضه است با نخوردن و ننوشیدن نمی تواند روح روزه را درک کند و از آن بهره گیرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم در این معنی گفته اند: "کسی که سخن دروغ و عمل به آن را نگذارد، خدا نیازی ندارد که او خوراک و نوشیدنی اش را ترک کند".

گرسنگی و تشنگی رمضان آدمی را از حال همیشه روزه داران مستمند آگاه می سازد و انگیزه های مهد وپاری را در دلش می پرورد تا همواره از آنان غافل نباشد به همین دلیل در اثری که امام بخاری روایت کرده آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم - که جوانمرد ترین آدمیان بود- جود و بخشندگی اش در رمضان فزونی می گرفت، آنگاه که جبریل را می دید، و جبریل در رمضان هر شب او را می دید و قرآن را با هم مدارست می کردند، وقتی او را می دید، در بخشندگی مالش (به مستمندان) از نسیم سحرگاهی بخشنده تربود".

فضای جامعهء روزه دار فضای عطر آگینی است که بوی دوست داشتن و مهرورزیدن آن را آگنده است، در حدیثی آمده است: "وقتی روز روزهٔ یکی از شما فرا رسید باید به کسی ناسزا نگوید و آواز بلند نکند، اگر کسی او را دشنام داد یا با او جنگ کرد، بگوید: من روزه دارم".



[illegible] در آن [illegible] ور و [illegible] ده است و در آن نشانه هایی از هدایت و رشد نهاده شده با حسن خصال و ویژگیهایی که شمه یی ازآن را بر شمردیم، ماهی است که در آن شیاطین به زنجیر ها کشیده می شوند و دروازه های بهشت به روی بندگان خدای باز می گردد و دروازه های آتش بسته ودران شبی است که از هزار شب برتر است شبی که پیوسته در آن فرشتگان و جبریل فرود می آیند، شبی که سراسر تا صبحگاهان لبریز از سلامتی است" و هر کس این ماه را با ایمان و اخلاص روزه گیرد گناهان گذشته اش آمرزیده شود، پس این ماه، ماه مهر و بخشش و رهانیدن است، مهر و بخشش خدای و رهانیدنش از آتش.

اما با دریغ که سالیانی دراز است که ملت مسلمان ما به دلیل بی مهری شماری از فرزندان خود وتوطنه وبدخواهی هایی از دیگران نامهربان نتوانسته است از فیوض این ماه مبارک بهره یی شایسته گیرد ودر اسایش وسکون به نیایش وپرستش پرودگار جهانیان پردازد و زمینه وتوان آن را دریابد که مردمانش دست یاری ومدد به یکدیگر در از کنند و غبار مذلت فقر وتهی دستی را از چهرهٔ هم بزدایند. رمضان امسال بی تردید پس از این سالیان نحس فرصتی است که اندکی می توان از آن ناشدنی های پیشین را در آن انجام داد، اما تا هنوز بی داد فقر وبیگاری از سر مردم دست نبرداشته و اخلاق وسلوک جمعی درطی سالهای جنگ وسیاهی چنان صدمه دیده است که به آسانی توانمندان نمی توانند از روح روزه وفلسفهٔ آن درباری رسانیدن به مستمندان جامعه شان بیاموزند و مردم بانیکویی شایسته ئی ازآن آن استقبال کنند.

پول جدید درکارزار کهنه

نوشتهء نصیر

اینک از رایج شدن و آمدن بانکنوت هاي جديد افغاني به بازار اسعار یک ماه و اندي مي گذرد، و فقط حدود یک ماه ديگر به پايان اعتبار بانکنوت هاي چهارگانهء پنجصد و هزاروپنجهزار و ده هزار افغانيگي رايج پيشين مانده است.

ولي تا هنوز در بازارهاي کابل و ولايات در داد و ستد بازار و مبادلات اسعاري کماکان از بانکنوت هاي قبلي استفاده صورت مي گيرد وکدام تغيير فاحشي در اين زمينه رونما نگرديده است. در حاليکه مي بايست تا حال در بيشتر از نيم مبادلات پولي و دادوستد بازار بايد بانکوت هاي جديد رايج مي شد. حتي در جريان هفتهء گذشته مسؤول نمايندگي بانک مرکزي کشور در ولايت خوست طي مصاحبهء با يکي از راديوها اظهار داشت که نظر به مشکلات مواصلاتي و نبودن هليکوپتر تا حال به بعضي از ولايات کشور ازجمله ولايت پکتيکا بانکنوت هاي جديد فرستاده نشده است. واين در حاليست که در بازار هاي پيشاور مقادير هنگفتي از بانکنوت هاي جديد سرازير گرديده است، و گفته مي شود که اکثر صرافان بعد از اخد پول جديد از بانک آنرا به کلدار پاکستاني تباد له مي نمايند، زيرا به ثبات بانکنوت جديد تا حال مطمئن به نظر نمي رسند.

اگر وضع به همين منوال پيش برود، دولت با دو مشکل جدي در قبال مردم مواجه خواهد گرديد:

نخست اينکه در صورت عدم تقليل استعمال بانکنوت هاي قبلي به علت عدم مساعد شدن زمينهء تباد لهء آن با بانکنوت جديد و به همين روال در رواج قرار داشتن بانکنوت هاي قبلي، به وضوح اين مطلب را مي رساند که بعد از روز۱۵ قوس سال جاري نيز نزد عدهء کثيري از هموطنان ما که يا موفق به تبادلهء پول هاي خود به علت ازدحام در بانک ها نشده اند و يا هم در اثر معاملات روزمره مقادير بانکنوت هاي قبلي نزد ايشان جمع گرديده است، شديداً متضرر خواهند گرديد؛ زيرا تجربهء يک ماهه -که نيم مدت زمان تعيين شده براي تبادلهء بانکنوت هاي قبلي بشمار مي رود- نشان مي دهد که بانکهاي کشور به علت عدم موجوديت نظام مواصلاتي اطمينان بخش و امکانات تخنيکي و کارمندان لازم از عهدهء تباد لهء ۱۴ هزار ميليارد افغاني رايج به مشکل بيرون خواهند شد.

ثانياً اينکه در مناطق دور افتاده و ولسوالي هاي دور دست که در آنجاها يا نمايندگي هاي بانک ها فعال نشده اند، يا نظام مواصلاتي اطمينان بخشي ندارند، عدهء زيادي از دهقانان و مالداران بي بضاعت و کم سرمايهء کشور چگونه در ظرف اين مدت کوتاه مشکل تباد لهء پول خود را حل خواهند کرد؟

زيرا تا حال بانکنوت هاي جديد در طي نيم مدت تعيين شده براي تباد له، حتي در دادوستد شهر کابل ده فيصد جاي بانکنوت هاي قبلي را نگرفته است.

مشکل ديگري که تا حال در رفع آن توجهي صورت نگرفته است عدم موجوديت اجزاي بانکنوت هاي افغاني مي باشد، زيرا در بسا معاملاتي که بايد به جاي نوت پنجصد افغانيگي از ۵۰ پولي کار گرفته شود يا در معاملاتي که ۲۵ پولي مورد نياز است چيزي از اين واحد ها به مشاهده نمي رسد. که لازم است دست اندر کاران عرصه هاي بانکي کشور بدان عطف توجه نمايند.

بانکنوت هاي جديد که مانند هر پديدهء نو موجهايي از مخالفت و موافقت و نگراني را ماه ها قبل از ورود به بازار در قبال داشت، در پي تصميم مشترک بانک جهاني ومقامات ذيصلاح افغانستان به قيمت چهلم حصهء يک دالر في افغاني نرخ گذاري شد، که به گفتهء آقاي انوارالحق احدي رئيس بانک مرکزي کشور، اين بانکنوت ها با داشتن پشتوانهء غني تر از ممالک همسايه ص۸

زن در افغانستان قبل از اسلام

وحید مژده

زن در تاریخ نه تنها بعنوان نیمي از جامعهء بشري از نظر کمي مطرح است بلکه بعنوان یک عنصر مهم سازنده اجتماع و تمدن نقشي بنیادي وغیرقابل انکار دارد.

هرچند در تاریخ بشر زناني که بتوان آنها را به اصطلاح تاریخ ساز بشمار آورد در مقایسه با مردان اندک است ولي هیچکس نمیتواند این حقیقت آشکار را نادیده بگیرد که دامان زن بعنوان مادر نخستین مدرسه براي تربیهء هر طفل است و در همین مدرسهء نخستین است که شخصیت طفل شکل مي گیرد و در آینده قدم به صحنهء اجتماع مي گذارد. بنا بر این هر قهرماني زاده و پروردهء دامان زن است.

در تاریخ جهان باستان نقش زن محو و ناپیداست و اگر از زنان نامداري در تاریخ ذکري هم بمیان آمده به اعتبار رابطهء خانوادگي آنان با مردان نامدار آن عهد و عصر بوده است. چهرهء زناني که خود توانسته باشند با کارنامه هاي خود، خویش را بعنوان یک چهرهء بارز مشخص سازند بسیار نادر است.

در یونان و روم قدیم زن حیثیتي پائین تر از انسان و بالاتر از حیوان داشت و در مقابل پدر و شوهر از حق مالکیت حق معاشرت با زنان بیگانه و حتي حق حیات نیز محروم بود. پدر هر زمان که اراده مي کرد میتوانست دختر خود را بفروشد یا بقتل برساند. وقتي در میان جوامع متمدن دنیاي قدیم یعني رومي ها ویونانیان با زن چنین برخورد صورت مي گرفت، میتوان تصور کرد که در جوامع دیگر، وضع برخورد با زنان و موقف اجتماعي زن چگونه بوده است.

تا آنجا که مسئله به دوره هاي قبل از تاریخ کشور ما رابطه مي گیرد از بخش اعظم این دوران اطلاعي در دست نیست ولي اگر به تحقیقات باستان شناسان استناد نمائیم به این حقیقت مي رسیم که یکي از کانونهاي مهم تمدن بشري در شرق تمدن آریان یا آریاناست. بنابرهمین تحقیقات که از روي آثار مکشوفهء باستاني نیز هویدا مي گردد، در اراضي هموار دو سوي هندوکش که افغانستان و ایران امروز و آسیاي میانه را در بر میگیرد سه هزار سال قبل از میلاد مسیح یعني، پنج هزار سال قبل از امروز شهرهاي پرنفوس، صنعت و حرفه و سیستم آبیاري وجود داشته است.

تمدن پنج هزار سال قبل افغانستان یا باختر بصورت آني بوجود نیامد بلکه دنبالهء تشکیل جوامع ابتدائي ئي است که سابقهء آنرا میتوان تا دهها هزار سال قبل از میلاد مسیح یعني عصر حجر تخمین نمود و آثار باستاني کشف شده در شمال و جنوب غرب افغانستان آثار و شواهدي از زندگي انسان درین خطه در دوران عصر حجر قدیم بدست آمده است.

اگر ما بخواهیم با تاریخي با چنین قدامت در جستجوي نقش زن برآئیم فقط میتوانیم به نقش ها و آثار باستاني بجا مانده از آن عهد استناد نمائیم ولي خوشبختانه در یک اثر بسیار مهم که عبارت از سرودهاي ریگویدا ست و بخشي از آن از دستبرد زمان در امان مانده اشاره هاي واضحي وجود دارد که نمایانگر نقش زن در تمدن (ویدي) آریاناي کهن است و اهمیت این سروده ها از آنجاست که مردم آرین با این آثار وارد مرحلهء تاریخي شدند.

در سرودهاي ویدي که یگانه اثر ادبي قدیم قبل از اوستاست، از زبان دانایان و سخنوران آن عصر اشعار و سروده هاي منقولست که آثار جمعي از زنان سخنور را نیز شامل مي باشد.

از آنجا که کتاب ریگویدا شامل سرودهاي مذهبي است که بوسیلهء شخصیت هاي مذهبي که اصطلاحاً (ریشي) خوانده مي شدند سروده شده وجود ریشي هاي زن در آن دوران نشان میدهد که مقامات مذهبي در انحصار مردان نبوده و زنان نیز حق دست یابي به چنین مناصب را که فوق العاده مورد احترام بوده است، داشته اند. آمدن نام و آثار این زنان در یک اثر مذهبي که فوق العاده مقدس انگاشته مي شد نشانه ئي آشکار از این حقیقت است که آریائي هاي قدیم در مقایسه با سایر ملل به زن به نظر قدر و احترام مي نگریسته اند. در ریگویدا نام این زنان دانا با سروده هاي شان آمده است:

شهزاده خانم گهوچه Ghocha، لوپامودرا Lopamudra، ماماته Mamata، اواپاله Awapala، واندانی Wandani ساسي Sasi و وشوروه Wishorwa از آنجاکه این سروده ها یگانه اثر بازمانده از آن روزگار است، به کمک همین منبع تاریخي است که ما تا حدي به افکار و عقاید و روش زندگاني ووضع اجتماعي مردم این عصر پي مي بریم. در کتاب اول (ریگویدا) سرود ۱۱۷ که سروده ئي از شهزاده خانم (گهوچه) است او از معبود هائي که به آنها معتقد است تمنا مي نماید تا به وي فرزنداني دلیر اعطاء نمایند.

از ریگویدا که بگذریم در کتاب دیگر باستاني بجا مانده از آریائي هاي قدیم یعني اوستا نیز به اهمیت حریم خانواده تاکید گردیده و زنان و مردان درین رابطه بصورت یکسان مورد خطاب قرار گرفته اند. در سیناي (۵۳) خطاب به پسران و دختران آماده، ازدواج مي گوید:

(اینک بیاموزم و آگاه تان سازم. پندم را بخاطر بسپارید. با غیرت در جهت یک زندگي پاک بکوشید. هر یک از شما باید در کردار نیک از دیگران سبقت جویدو از این راه زندگي خود را خوش و خرم سازد.)

از آنچه که گفته آمدیم نباید نتیجه گرفت که در آریاناي کهن زن همان حقوقي را داشته است که مردان از آن بهره مند بودند. در دوره هاي که آریائي ها هنوز در مرحلهء دامپروري و کوچي گري زندگي داشتند مشکلات ناشي از این شیوهء زندگي، سهم گیري زن در اقتصاد خانواده را امري لازمي ساخته بود.

در عین حال توجه بداشتن فرزندان زیاد از عواملي بود که آریائي هاي قدیم در مقایسه با سایر ملل با زنان رفتار انساني تر داشتند، ولي درین عهد نیز زنان آریائي از داشتن حق مالکیت و میراث محروم بودند.

مرحلهء تمدن و شهرنشیني زن را بیشتر منزوي ساخت. دختران حقیر بودند و افتخار خانواده ها بداشتن پسران بیشتر بود که منبع قدرت خانواده و وارث خاندان بشمار مي رفتند.

سلطهء هخامنشیان بر باختر تحولات جدید اجتماعي را موجب گردید. هر چند این سلسله نیز آریائي تبار بودند ولي قرنها قبل از باختر کوچیده و به جانب غرب رفته بودند. سلطهء هخامنشیان بر باختر تحولاتي جدید اجتماعي را موجب شد.

ایران در دورهء هخامنشیان داراي یک جامعهء طبقاتي متشکل از روحانیون و جنگجویان و دهقانان بود که بعدها طبقهء جدید صنعتگران نیز به آن افزوده شد. در جامعه ئي با چنین مرزبندي طبقاتي، مسئلهء اصل و نسب بسیار مهم بود.

کورش هفتمین پادشاه هخامنشي در سال ۵۵۹ ق.م. اساس یک امپراتوري بزرگ را نهاد که سرزمین باختر نیز ضمیمهء این امپراتوري گردید. سلطهء هخامنشیان بر باختر دو قرن ادامه یافت. این تسلط دیر پا بصورت طبیعي موجب گسترش عادات و آداب و رسوم وعنعنات ملت فاتح بر کشور تحت تسلط گردید.

از آنجا که حفظ نسب لازمهء نظام طبقاتي است، در ایران قدیم نه تنها ایراني حق وصلت با غیر ایراني را نداشت، بلکه افراد یک طبقه از ازدواج با طبقهء دیگر محروم بودند تا خون موروثي که در عروق خانواده جریان دارد از طریق اختلاط با خانواده بیگانه فاسد نشود. بنا بر این ازدواج میان اقوام و خویشاوندان نزدیک صورت مي گرفت.

ایرانیان درین کار بحدي جلو رفتند که بقول (آرتوا کرستین سن) ازدواج با محارم نزدیک نیز صورت مي گرفت. در مورد ازدواج میان خواهر و برادر میتوان از ازدواج (بهرام چوبینه) یکي از شاهان هخامنشي با خواهرش (گردیه) نام برد.

یکي از راههاي حفظ نظام طبقاتي این بود که وقتي شخصي وفات مي کرد زنش را به یکي از نزدیکان شوهر متوفي تزویج مي نمودند. در حقیقت زن بیوه مانند یک متاع مادي به خانواده، متوفي به میراث مي رسید. تداوم نسل منوط بداشتن فرزندان ذکور بود و کسیکه پسر نمي داشت مقطوع النسل بشمار مي آمد و داشتن و نداشتن فرزند دختر یکسان بود.

تسلط هخامنشیان بر سرزمین باختر (افغانستان امروز) تا حدود ۳۳۰ ق. م. ادامه یافت که بر آداب و رسوم مردم باختر از جمله نظام اجتماعي آن تاثیرات عمیقي بر جا نهاد تا اینکه جهانگشاي دیگري از یونان یعني اسکندر مقدوني به جانب شرق لشکر کشید و با سرنگوني سلطنت هخامنشي تمام سرزمین ایران و افغانستان امروز تا بخش بزرگي از هند را متصرف گردید. مرحوم پوهاند حبیبي درین باره مي گوید:

"در تسلسل جریان هاي بزرگ تاریخي که در تشکیل فرهنگ افغاني و هنر وصبغهء فکري قدیم بعد از فرهنگ (ویدي-اوستاني) و اثرات مدنیت هخامنشي اثر بسیار بارز و بزرگي داشته، لشکر کشي هاي اسکندر مقدوني در خاک افغانستان که جریان قدیم فرهنگ و زندگاني وفکر و مدنیت این سرزمین را رنگ جدید وبرازنده ئي داده است..."

داداري سمونې بهير دې ټکنی نه شي

لیك: عبدالودود سلیمانخیل

دعقرب په ۱۲ مه دوزیرانو شورا د اداری اصلاحاتو په باب پریکړه وکړه دا پریکړه دهغو څیړنو پر بنسټ وه چې څه موده وړاندی دولتی هئیت ولایاتو ته د اداری چارو د پلټنی لپاره تللی و.

جګړی دملك اداری شیرازه نړولی او دسمولو لپاره یی تدبیر او دحل مناسبی چاری په کار دي. دوزیرانو دشورا پریکړه داصل له مخی مناسب اقدام دي: خو څوڼکیو ته مو پام وي.

کوم پلاوی چی له کابله ولایتونو ته څی د عدالت او بی پلوی خانګړنه یی حتمی ده او هم په کومه سیمه کی چی پلټنی کوی په هر اړخیزه توګه پر مسایلو وارد وي. د ادارو دچارواکو روحیات. ګونتدی اریکي، تر ۱۳۷۱ کال وروسته تر ننه پوری دهغه دریخونه، په طالبانو کی دهغوی شتون. دسولی له ملی بهیر سره یی هم آهنګی. اقتصادی حالات. له خلکو سره چلند داټول په پام کي ونیول شي خکه افغانستان یوه قبائلی ټولنه ده. د مدنی ټولنی معیارونه پری نه تطبیقیږي: نو خکه که موږ یو تحقیق سم تر سره کړو خو بیا دمکافاتو او مجازاتو په باب د قبایلی ټولنی خانګړنی په پام کی ونه نیسو نو کیدای شی چی زموږ پرستونزو نوری هم ورزیاتی شي. (باید په پام کی ونیسو چی موږ دقبایلی او سنتی رواجونو او روحیاتو پلوی نه کوو: بلکی دیو تریخ واقعیت په توګه یی شتون منو)

یو اداری چارواکي. چی له کاره ګو نه کیږي. متاسبه لاړه یی داده. چی ددویم خل لپاره یوبل پلاوی لاړشي. له مخکنی نه ورسره خبری اتری وشی. دهغو دجهد او دمقاومت ددوران دښوکارونو ستاینه وشی او بیا یی دذیصلاح مقاماتو پرتصامیمو پوه کړی چی زما په اند دا وړاندیز حساسیتونه نه پاروی او داچی دپلټنی په پایله کی په هغه پسی یو پند مسایل وي. او بیا د رسنیوله لاری یی کړنی او مجازات هم اعلان شی: نو له هغه سره کینه پیدا کیږی یا به دسولی د ملی بهیر له مخالفینو سره خوا واړوی او یا داچی خپله دیوی ستونزی محور ګرځي.

دیوه کیږه څیز دسمو لو لپاره. ذهنی چمتوالی اغیزمن دي: نوځکه په کار ده چی په دی باب له تبلیغاتو کارواخستل شي. که داتبلیغات په هماغو سیمو کی د جوماتو نو له لاری او بیا محلی رادیوګانو او مضبوطو له خوا وشي. تاثیری زیات دي. په داسی حال کی چی په دی نوي اقدام کی د اداری اصلاحاتو لپاره په کافی اندازه تبلیغات نه دی ترسره شوی.

زموږ ټولنه نوی له لاقانونیت څخه دقانونیت پرلور دروممي. نو څکه په دی پړاو کی خو را ضروری ده. چی دخپلی ټولنی رواني او اجتماعی خصوصیات په ښکه په پام کی ونیول شی. د اداری جوړونه او سمونه په حقیقت کی یو دول بدلون او انقلاب دي. چی بنه یی په منسبه توګه ترسره شي له دولت نه موهیله ده چی د تصمیم پروخت په خپله خبره ټینګ ودریږی او پرشا لاړنه شي. چی د اداری سمونی بهیر ټکني نه شي

به همشه روزه داران فقیرسرزمینم

مبارکی به آواز پرجبرئیل

محمد اسحق فایز

به گریبان افق می نگرم
وبه هیمنه لحظات سبزی که
از او جنا های عرش بر زمینیان فرو فرستاده می شود
باجلوه هایي ازپر نیان هفت رنگ نور
***
به مهمانی خدا می رویم
آنجا که بساطش از تارو پود رحمت بافت می شود
سبز
سبز
سبز
وآنجا که خوانش کسترهٔ عواطف هستی رادارد
با تقدسی که "تنزیل"
بهارینه ی است درلحظه هایش
***
به گریبان افق می نگرم
که چگونه شامگاهیان
افرشته گانی
از ملکوت اعلی
سیطرهٔ ذهن غریق انتظارم را
با چاشنی تکبیری
از فراز گلدسته های ایمان روشن می کند
ومن در یك لحظه زیبائیش را
درآیات جمال "او" می بینم
تطهیر می شوم
وبه خلسه آسمانی اندر می روم
به گریبان افق می نگرم
که شراع زرین نور
در لفافه قرمزین
بساط فقر زده مردمم را
به تلاطم بخشش خدا می کشاند
تاروز ه سالیانهٔ شانرا
با لقمهٔ از خون ودرد افطارکنند
***
به گریبان افق می نگرم
که صبر خدا
چگونه جلوه پر زرق برق خوان اغنیایي را که
نان فقرا را ربوده اند
می بــــــــــــینند
وتحمل می کند
ولی وجدانی از اینیها
نمی جنبد
آبی، از آبی تکان نمیخورد
در کنار کودکان یتیم
در کنار کودکانی بی نان
و در کنار بیوه زنانی که تکدی دستان طاقت شانرا
فرسوده است
***
به گریبان افق می نگرم
که چگونه فقیری
وچگونه زر اندوخته ای
افطار می کنند
با تفاوقی که در یک کوچه
دو آسمان می بینم
با آن نظاره گریگانه یي که امتحان عظیمش
استخوانهای زمین را می لرزاند
ولی "اینها"
برارِیکه ها
وبر گنجینه ها
پاسیان آزمند خویشند
واز تلالوی اشکهای لغزیده بر گونه های ما
لذتی هزار با رهٔ می برند
***
به گریبان افق می نگرم
که چگونه پایمال های له شده در زیر فشار چهار نعل تازان
در وادیهای ستم و استبداد
فریاد های به آسمان رفتهٔ شان
پژ واکی ندارد
برای زمینیان
مثلیکه دیده های بینایي نیست
تا ببیند
هر روز
روز محشر است
***
به گریبان افق می نگرم
که در شامگاهیان این ورطهٔ هول و اضطراب
اطراق کننده گان ویرانه های در آتش سوخته
چگونه مظلومانه
بر چهار تاق های صبر
امیال ها ی تکیدهٔ شانرا در تاکستانها ای در عطش
سوخته
ازانتظار ی دیگر
آبیاری می کنند
و بر خاکستر امیال های سوخته شان
سو گمندانه
زخم انفجار های عظیم تعصب و تحجر را
مدا وا می کنند
***
به گریبان افق می نگرم
و مانند توده های محنت زدهٔ سر زمینم
به قیام تکبیری از مناره های مســـجد
در تفاوت آسمانها ی چند رنگ شهر در انتظار
***
آی فقرا !
آی درد مندان!
رمضان تان مبارکی به مبارکیی آواز پرجبریل باد

دا به څوك وي؟

ع-وطندار

څومره بی خونده
ډیر پیکه
او بی سروره دی اوس
څومره بی رنګه
او بد رنګه
او بی نوره دی اوس
قدم قدم یی له ترخو ماجراګانو نه ډك
هریو نفس یی له فتنو له بلاګانونه ډك
دیاس ځپیږی یی پرمخ باندی داغونه دی جوړ
ته اوس پوهیږی دا به څوك وی
دا بد بخت به دی دکوم یوکلی!
هو!
داکوم یتیم، داکومه کونډه او زوی مړی نه وی
دا دنیستی دوپړوهلی ستړی ستړی نه وی
دا دافغان دژوند کتاب دی
پاڼه پاڼه اوشلیدلی چی دی
چیرته په لارو ،په کوځواوپه ډیران کی پروت دی
آه!
دکایناتو ستره ربه
زه په کومه ژبه
تاته زاری وکړم
او پرا نیزم دزړه غوټه می
همدومره وایمه
چی تا ته می هرڅه سپارلی
ته هم زما او هم ددی واړه جهان مالك یی

غزل

شاه معین

زیستن در این کلبه ویرانه بهتر است
ترک دیار و مردم بیگانه بهتر است
عمریست که ما جمله حقیر زمانه ایم
جستن به خاک خویش مرا دانه بهتر است
آن بزم و ساز غیر مرا دلپذیر نیست
آئین من زمستی ومیخانه بهتر است
زانروز که هست و بود منست طعمهٔ اجل
عاقل مخوان مرا که دیوانه بهتر است
بر روی ما روزنه ها را ببسته اند
بستن کمر به شیوه مردانه بهتر است
از راهیان شب همه دلگیر گشته ایم
کوتاه اگر "معین" شود افسانه بهتر است

■ ■ ■ ■ ■ ■

آزادي

(ذره)

چه رنج ها که کشیدم برای آزادی — چه جان و سر که نمودم فدای آزادی
چه صخره هاکه به طوفان شکست زورق دل — به بحر خونی که کردم شنای آزادی
جفا کشیدهٔ شام سیاه کارانم — بیاد طلعت صبح وفای آزادی
قلاده کردم و دل را بکاروان بستم — که گوش جان نبود از ورای آزادی
غلام سرخم میهن بگور خواهد برد — جبین داغ گناه خطای آزادی
مباش بردهٔ غیر و هرچه خواهی کن — که مرگ محض بود ماورای آزادی
هنوز خار جفای تو می دهد آزار — خلیده روز نخستین به پای آزادي
هزار عاشق زاری که داغ بر دل رفت — لبان لاله ی خونین قبای آزادی
دو چشم سوی تو دارد که تا هدر نکنی — بهای خون دل و خونبهای آزادی
بناز میهن غیرت! در اهتزاز آمد — ببام هندوکش تولوای آزادی
شهید ناز، تو خاکم بشور اوردی — بپای بسته گذشتی حنای ازادی
اگرکه بند بند وجودم چو نی جدا گردد — کشم زبان و کنم سرنوای آزادی
بدوخت برتن شوقم که سرو آزادم — هزار سوزن شوقم ردای آزادی
خوش آن نسیم بهاری که بوی جان دارد — وزد به گلشن جانم هوای آزادی

رود که خصم وطن را به غیر بسپارد
سپارش به پناه خدای ازادی

شعر آزاد نیمایی

محمد اسحاق فایز

بخش دوم

این شیوهٔ همانگونه که از نامش پیداست از ابداعات و نو آوري هاي نیما یوشیج است. نیما با در هم شکستن سنت هزار ساله شعر فارسي راه تازه و نوی را کشف و شاعران روزگارش را به رفتن از آن طریقه فراخواند و دیری نگذشت که شماری از بزرگ شاعران همزبان روزگارش به اثر او شدند و راه او را تعقیب کردند.

شعر کلاسیک فارسي — دري یا شعر سنتي با گذشت هزار سال گنجینه بزرگ و بي همتایي از فرهنگ انساني است که نظیرش در جهان بشریت دیده نمي شود حتي به جرئت مي توان گفت که در مدنیت کهن سال یونان، مصر و حتي هندوستان نیز آثاري به وفرت، تنوع و شکوهمندي مواریث فرهنگي زبان فارسي — دري وجود ندارد.

شعر سنتي با عمر هزار و اند ساله اش سر انجام به بن بستي رسید که نمي شد دیگر با وجود تنوع در قوالب و انواع در آن، با هنجاري نو به جلو رفت.

در حقیقت امر ضرورت ایجاد شیوه نو در شعر فارسي — دري از ضرورت نو اندیشي و داشتن دیدي نو به طبیعت و زندگي ناشي شده است. هزار سال شاعران کلاسیک به زبان فارسي — دري شعر سرودند و آثاري آفریدند و چنان مي نمود که دیگر زمان حاضر براي تکرار، تقلید و رفتن به اثر متقدمان بپایان رسیده است و بایستي بت شکني باشد تا ابراهیم وار با تبر "ابداع" نه بت، که سنت شکني کند و براي نو اندیشان و نو گرایان صراطي نو بنمایاند.

شرایط و تحولات و دگرگوني هاي اجتماعي و سیاسي نیز در منقطه هاي که مردم آن به زبان فارسي — دري تکلم مي نمودند ایجاب چنین دگرگوني و تحولي را مي نمود.

ایران و افغانستان در زمان حاضر درسطوح متفاوت از لحاظ رشد فرهنگي قرار دارند ولي زماني براي تحول و دگرگوني هردو راه مشروطیت را طي کرده اند و هم در همین دوران بوده است که نخستین گامها براي ایجاد شیوهٔ جدید درشعر معاصر در ایران برداشته شده است.

گام جدي و ماندگار را در این زمینه نیما گذاشت. انتشار شعر بلند غنائي "افسانه" در سال ۱۳۰۱ خورشیدي و بعداً چاپ قطعهٔ "اي شب" زمینه ي شد براي ظهور شیوهٔ جدید از شعر معاصر فارسي — دري.

نیما درین کارهایش هرچند بازباني ساده و بي تکلف سخن مي زند ولي در این منظومه ها با وزني مهجور ولي قالبي تازه مفاهیم ومضامین تازه اي را براي مردم ارایه کرد.

کار نیما در این زمینه تداوم یافت تا جایي که در طي سالهاي ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ شعر هاي ققنوس وغراب و گل مهتاب او منتشر شدند که در آن تساوي مصراع ها از نظر افتاده و همه قید و بند قافیه در آن ها از میان برداشته شده بود. این اثار و آثار بعدي که از نیما به چاپ رسید در حالیکه مواجه با موافقان و مخالفان بیشماري شد ولي به هر صورت راه را باز کرد و سنت کهنه و پارینه شعر سنتي را در هم شکست و از آن پس بزرگاني دیگر در اثر او شدند و آثاري خلق کردند.

ادامه دارد

جهانی شدن

حلقه وصل "پایان تاریخ" و"جنگ تمدن ها"

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

تحولات پر شتاب و بزرگ پایان دهۀ هشتاد و آغاز دهۀ نود قرن بیست میلادی در سطح جهان بویژه زوال ونابودی اتحاد شوروی بحیث یک ابر قدرت وایدیولوژی رو به گسترش ، اندیشه غربیان و مراکز استراتیژکی آنان را برآن داشت ، تا در پیرامون طرز دیدها و تصورات آیندۀ جهان پس از این حادثه بزرگ که پژوهش ها وارزیابی های پیش بینی شده را فاقد ارزش کرد وملغی قرار داد، به بحث و پژوهش زانو زنند واین پرسش ها را عنوان کنند.

آینده اروپا و جهان چگونه خواهد بود؟

این تحولات و دگرگونیها تا کجا گسترش خواهد یافت؟

در دهه نود قرن بیست گذشته دراین چهار چوب بحث ها وپژوهش های فروانی بربنیاد انگیزه ها ی استراتیژیکی و یا بدور از چنین انگیزه هایی به میدان آمد.

"پایان تاریخ" نوشته " فوکویاما" و" جنگ تمدن ها" نوشته " هنتنگتون" ، "عروج ونزول امپراتوری ها" نوشته پول کنیدی ،"جهاد در برابر فرزند جهان" نوشته"پنگامین بربر" درسال ۱۹۹۵و... وپژوهش ها و کنفرانس های فراوان دیگر که هم آوابا این پژوهش ها صورت پذیرفت که از بطن آن ها مولود وفرزند "جهانی شدن" زاده شد، مولودیکه پیرامون آن، نوشتار های فراوانی در همه گوشه های جهان طیف های گونه گون فرهنگی به رشته تحریر در آمده است.

ولی بارزترین این همه پژوهش ها در مورد اندیشه و فرهنگ و ساختار نظام آینده جهان که نظر ها را بخود جلب کرد همانا اثر "پایان تاریخ" فوکو یاما و" جنگ تمدن ها" هنتنگتون میباشد.

فوکو یا مادر نوشتار خویش بنام پایان تاریخ اعلان می کند که " لبرال دموکراسی" بلندترین حد توسعه و تحول اندیشه و ایدیو لوژی های بشری و پیروزی آن بر کمونیزم ، پیروزیی است برهمه ایدیولوژی های دیگر.

جوامع بشری چاره ئی ندارند ازاینکه یا درزیر چتر این ایدیولوژی قرار گیرند واز دست آوردهای آن بهره مند گردند وبا رسیدن به بهشت موعود آن خوشبخت شوند ویا به ایدیولوژی های دیگری پناه برند و خودرا بخورند و بدور از مرکز تاریخ در حاشیه آن قرار گیرند.

سرمایه داریی که کمونیزم در برابرش گوشه نشین مغاک زیان و خسران شد، خود نمایانگر یک الگوی سیاسی ،اقتصادی و فرهنگی رو به تکاملی است که نمی شود برخی آن را گرفت و برخی دیگر آنرا بدور انداخت.

چهره سیاسی نظام های لیبرالیستی خود ظرفی است برای پهلوی اقتصادی جا گرفته در آغوش اقتصاد آزاد.

برپائی این نظام ها سیاسی و اقتصادی ، با مشروعیت فرهنگ بر خاسته از جامعه تزکیه و پالوده می گردد که از مجموعه ارزش ها و مفاهیم همگام با عناصر اندیشه سرمایه داری صورت پذیرفته است، تا عنصر های سه گانه " فرهنگ ، اقتصاد وسیاست" که از آن ها جامعه الگوئی لیبرا ل به میان می آید ، تشکیل گردد.

از آنجاییکه "آزادی" خود پایۀ این الگو است وآن از لابلای رقابت آزاد در عرصه های سیاسی ، اقتصادی و فکری بر خاسته است ، باید به ورای مرزهای جامعه زادگاهش، به سوی همۀ جهان بخاطر درهم شکستن موانع و فرهنگ های موجود در برابر مروجان وا شاعه گران این لیبرالیزم و رقابت با فرهنگ های دیگران به پرواز در آید ، تا در نتیجۀ رقابت فرهنگ های دیگرو مروجان آن، محکوم به قانون " بقااز آن اقویا است" گردند.

این نظر به "فوکویاما" است که در نوشتار " پایان تاریخ" او متبلور یافته وضمن مقالۀ دیگری تحت عنوان" پایان تاریخ و آخرین انسان" منتشره سال ۱۹۹۲، آن رامورد تأکید قرار داده که فشرده آن چنین است: " لیبرال دموکراسی یگانه بلند پروازی منطقی است که از مناطق وفرهنگ های گونه گون در جهان تمثیل و نمایند گی می کند" این نظر به فوکویا ما ازاین که حادترین مشکلات لیبرالیزم را نادیده گرفته و به چنین غیب گوئی قاطعانه پرداخته است که گویا این گرایش با چنان مبادی ایدیولوژیک و سیاسی، به او وحی گردیده است، آماج نقدهای بزرگی قرارگرفت ولی برای ما هیچیک از هر آنچه گفته شد، آنقدر اهمیت ندارد که این نظریه برای آن پیشکش گردیده است که اساس اخلاقی باشد برای رهبری ملت در جهت " جهانی شدن" گرائی در هماهنگی با الگوهای لیبرال حاکم برسیاست و سروری این نظریه در جهان است که باید دیگران به آن گردن نهند.

یقیناً شمار زیادی از فرهنگیان فوکورا به استهزاء گرفته ونظریه اورا تنها سرودوجدانی بحساب گرفتند که با فروپاشی و شکست کمونیزم نواخته شده است، آنگاه که نظریه فوکو درفش های " جهانی شدن" را به اهتزاز در آورد، جهانی شدن خود حرکتی بود علمی که ویژگی حرکت ها ازاین طراز ، همانا اغفال مردم بخاطر حرکت وهمگامی با آنهاست. همین فرهنگیان استهزا گربه نظر به فوکو، باجریان جهانی شدن دیگر همگام گردیدند که بنابه تصور آن ها گفت و گو میان تمدن ها و آمیزش فرهنگ ها بوده و به حریم دیگران احترام می گذارند.

با وصف آنکه جریان امور، خود ماهیت و حقیقت پدیده جهانی شدن را بی پرده نشان داد وتأکید می ورزید که فوکو همان پروژه آینده غرب و بصورت خاص امریکا را با صراحت تمام اعلان میدارد اکثر فرهنگیان تا هنوز هم درهمان گمراهی خویش وگمراه سازی مردم قرار دارند که نتوانسته اند حق را در موضعگیری شان در برابر غرب و ... آشکار ا نشان دهند.

فوکو قبل از آنکه کنفرانس های جهانی شدن و سازمان های آن، بپا شوند در گفتار های خویش پیرامون جهانی شدن چهره صادقانه یی داشت وفرهنگیان همین گروهیکه باقی مانده اند- تاهنوزهم حتی پس از ظهور این برنامه "جهانی شدن" مشغول گمراه سازی مردم اند.

ادامه دارد

دمجاهد دبیا خپرنی بهیر هرکلی اویو دپام وړ وړاندیز

ع - وطندار

دخوښی ځای دی چی "مجاهد" چی دوخت د نا خوالو له امله دیوی اوږدی مودی له پاره چوپ پاتی شوی و: که څه هم چی "پیغام" یی خپریده یو ځل بیا دهیواد د مطبوعاتو په جهان کی انګازی وکړي. مجاهد لکه څرنګه چی د جهاد په اوږدوکی او لکه څرنګه چی د محترم استاد رباني ترمشری لاندی د اسلامی دولت پروخت حقایق او واقعیتونه لکه څرنګه چی وو، همغسی خپرول او دخپل جرئت څرګندونه یی کو له. هیله ده چی اوس یی ژبه د حقایقو په څرګندولو کی لا پسی تیره وي. او که سبانی مورخ د هیواد پرمطبوعاتی بهیر قضاوت کاوه هیله ده مجاهد به په کی هغسی وځلیږی لکه چی حق یی دي.

زه دلته له وخت نه په ګټې اخستنی سره یوی خبری ته اشاره کوم او هغه دا چي، که څه هم چی زموږ دسپیڅلی جهاد په اوږدوکي. زموږ پرهیواد دروسی تاړاك پروخت زموږ سرلوړو مجاهدینو دتوپك ترڅنګ قلم هم وچلاوه. په سلونو خپرونی له چاپه راووتلي. په سلونو کتابونه چاپ شول: خو بیا هم دغه فرهنګی یون د ملت د اذهانو د تنویر په لارکی کافی نه و: خو بنایي دحالاتو او حاکمو شرایطو غوښتنی د جهاد مشرتابه ته ددی مجال نه ورکاوه چی فرهنګی مورچل ته هم. هغسی پاملرنه وکړی لکه نظامی مورچل ته یی چی کو له: خو اوس چی د ټوپك ماموریت مخ په ختمیدو دی او ترهروخت زیات په هیواد کی فرهنګي-سیاسی مبارزی ته اړتیا ده باید دی برخی ته زیاته پاملرنه وشی او په ځانګړی توګه زموږ پرونی جهادی خواکونه دا جوته کړي، چی که پرون غره پرغره، دښته پردښته او ناو پرناو ګرځیدلای شوای او دهیواد خاوره یی له بهرنی تجاوز نه ژغوره له چی بالاخره یی دلوی خدای په مرسته په هر رنګك لستونوکی د تجاوز لاسونه تشخیص اومات کړل، نن د فرهنګي- سیاسی مبارزی له لاری دولس د اذهانو په رڼولو او دهیواد د بیا رغاونی په مهم کار کی دبرخی اخستنی او دملت په لیکوکی د معنوی او اخلاقی ارزښتونو په راژوندی کولو کی هم خپل نقش تربل هرچا ښه تره جوتولای شي.

یکار ده چی هر انقلاب لومړی خپل فکری پړاو ووهی او بیا عملی مرحلی ته داخل شي: خو زموږ پرملت او په تیره بیا په نوی راتوکیدلی اسلامی غورځنګ داسی شرایط وتپل شول چی دی ته یی پرینبود چی لومړی خپل فکری پړاو ووهی او بیا عملی مرحلی ته ورننوزي. نو اوس زموږ قلموال او فرهنګیالی دادنده لری چی هغه تیره نیمګړتیا هم تلافی کړي. بی له شکه زموږ د فرهنګیالیو د مسوولیت بار ډیر دروند دی. زموږ ملت په تیرو څلرویشتو کالو کی دبهرنیو تاړاکونو له امله دخپل ټولنیز ژوندانه په هره برخه کی ډیر سخت ګوزارونه خوړلی دی او ددی نیمګړتیاوو دتلافی لپاره تربل هرچا په فرهنګ او مطبوعاتو پوری دتړلیو کسانو مکلفیت زیات دي. زموږ ملت لکه څرنګه چی دوډی ته اړتیا لري. دغسی معنوی تغذیی ته هم سخت اړدی په خواشینی سره وایم چی ترکمونیستی غوبل دمخه رژیمونو په دی برخه کی ډیر غفلت وکړ. او دهیواد دفرهنګی بدایینی په برخه کی یی نه خپل مسوولیت لکه څرنګه چی په کاروه ویپیژاند او نه یی ترسره کړ. البته یو شمیر فرهنګیالیو او قلموالو به له خپله انده څه دقدر وړ ګامونه اخستي وی چی له دی امله ددرناوی وړ دی خو واکمنو رژیمونو خپل مسوولیت ترسره نه کړ چی پردی اساس زموږ یو زیات شمیر خالي ذهنه ځوانان بی لاری شول. څو لك د کمونیزم غیږی ته ورغورځیدل او څو لك دنورو بهرنیو او وارداتی مفکورو ښکار شول چی پایله یی دثور بدمرغه کودتا شوه چی هیوادیی دیوه داسی خونړی توپان غیږی ته وسپاره چې ګرد افغانستان یی په کنډوالو بدل کړ او زموږ دټولنی. اداري. دفاعي. روزنیز. هنري. فرهنګي او نور ښیرازونه یی ونړول. زموږ ولس اوس دمولی لاره نیولی ده اوس لوړ قلموالو او فرهنګیالیو دنده ده چی له ملت سره ترپایه لاړ شي. او دولت ددولت په توګه په دی برخه کی مسوولیت لری چی تیری تیروتنی تکرار نه پرېږدي او هیله می داده چی د مجاهد درنی خپرونی قلمی همکاران هم په خپل وار او خپل ځای د فرهنګی تشی ډکولو ته زیاته پاملرنه وکړی او دوچ سیاست دسندر چپی یی لاهونه کړي.

زدست غیرنالم چراکه همچو حباب = همیشه خانه خراب هوای خویشتنم

صائب تبریزی

درجستجوی راه

خواجه بشیراحمد انصاري — **قسمت دوم**

گذرگاه کشور کشایان بودن افغانستان :

دسته اي از نويسندگان ما كه موقعيت مهم سوق الجيشي اين سرزمين و "گذرگاه كشوركشايان" بودنش راعلة العلل همه مصايب ناز له برملت وميهن ميدانند ، ميگويند كه چون كشور ما درمسير قدرتهاي بزرگ تاريخ قرار گرفته ، از همين لحاظ هميشه پامال سم دشمن شده است . اسكندر بصوب هند حركت كرد وبراي آنكه راه را براي خويش باز كند بايد اين مانع را از سرراه خويش برمي داشت .

چنكيز خان هم درراه پيمايي بزرگ خود ازهمين مسير گذشت وچيزي بنام انسان زنده نگذاشت . انگليسها آمدند ودرمرزهاي روسيه ديروزي بازي بزرگي رابخاطر تسخير اين كوه ودمن براه انداختند. روسها كه رسيدن به بحرهند راجزء آرزوهاي طلائي تاريخ خويش ميدانستند ، نيز مارا قرباني هدف خويش ساختند. همسايه ء (برادر) جنوبي ماكه رايحه ء نفت آسياي ميانه وبازارهاي آن لعاب از دهنش فروريزاند،نيز درآرزوي بلعيدن اين لقمه خار دار ومروراز همين گذرگاه كشنده بود .

طرفداران اين نظريه ميگويند كه چون موقعيت مهم سوق الجيشي اساس سيه روزي ماست وموقعيت جغرافيائي هم حقيقتي است كه نميتوان آنرا تغير داد پس براي اينكه باز هم زيرپانشويم وبهاي موقعيت استراتيژيك كشورخويش را نپردازيم بايد در پناه يكي از قلدران و (بدمعاشان) بين المللي زيست نموده واز كنار آن بطرف همسايگان طماع وبي مروت خويش چشم كشيم . يعني كاري را كنيم كه درزندگي روزمره ء خويش درمعامله با ارباب قريه وكلاس درسي و رئيس دفتر ويا اركان بلند پايه ء حزب سياسي انجام ميدميم .

موقعيت استراتيژيك ضعيف كه يكي از عناصر مهم قدرت ملي كشورهاست كه نبايد آنرا ناديده گرفت بلكه درجهت رشد وانكشاف وتوسعه ء بازرگاني واقتصادي از آن سود برد .

نزديكي به يكي از قدرتهاي بزرگ نظامي چون روسيه نيز نميتواند علت پسماني ماباشد واگر چنين مي بود پس بايد جاپان درشرق وكشورهاي اسكندناوي درغرب ، ازديرزماني پامال سم روسها مي شدند .

مانع تمدن بودن دين:

آنهائي كه دين رامانع اساسي تمدن قلمداد ميكنند ، نه از تاريخ خبري دارند ونه هم ازدين وقوانين تمدن بشري . دين نه تنها كه مانع تمدن نيست كه از عناصر اساسي بناي تمدنها است .

اسلام خود درخشانترين تمدني رابرفراز تاريخ انسان بنانهاد . تمدن معاصر غربي چيزي نيست كه بدون هيچ مقدمه اي از آسمان افتاده باشد بلكه مجموعه ء بزرگي از تلاشهاي بشري است كه مسلمانها سهم مهمي درآن داشته اند .

تمدن غربي به اعتراف محققان غربي بيشتر از هرچيز ديگر از تمدن اسلامي مايه گرفته است .

گوستاولوبون ميگويد : مسلمانها سبب شدند تااروپاي مسيحي راأز حال توحش وجهالت خارج سازند .... نفوذ اخلاقي مسلمانان ، اقوام وحشي اروپا رادرطرق آدميت داخل نمود ودروازه هاي علوم وفنون وفلسفه رابروي آنها بازكرد ومسلمانان براي ششصد سال تمام بركرسي استادي اروپا تكيه زدند .

ويل ديورانت "درتاريخ تمدن" ميگويد : پيدايش واضمحلال تمدن اسلامي‌از حوادث بزرگ تاريخ است ، اسلام طي پنج قرن از ۸۱ هجري تا ۵۹۷ هجري ، ازلحاظ نيرو ونظم وبسط قلمروواخلاق نيك وتكامل سطح زندگاني وقوانين منصفانه ء انساني واحترام به عقايد وافكار ديگران وادبيات وتحقيق علمي وطب وفلسفه پيشاهنگ جهان بود .

عده ء زيادي ازين گروه هنگام صحبت ازدين،نمونه ء قرون وسطائي مسيحيت اروپائي رابروي ما مي كشند غافل ازينكه آن دين نه تنها كه با اسلام ناسازگار است كه حتي با مسيحيت اصلي هم همنوائي ندارد . مسيحيت قرون وسطي نميتواند ميزان هردين ديگر درزمان ومكان ديگري قرار گيرد .

آنهائي كه دين را افيون ملتها ميدانند اگرنيم نگاهي به كشورهاي غربي بيافگنند مي بينند كه چقدر در اشتباه اند . دالر كه سمبل ثروت وقدرت امريكا بشمار مي رود درپيشاني اش اين مقوله ء مذهبي نوشته شده است " In God we trust "

ضد تمدن بودن لباس اسلامي:

آنهائي كه لباس اسلامي را سبب تعطيل وركود فعاليتهاي اقتصادي ميدانند بايد بدانند لباسي راكه اسلام مقرر داشته است به هيچ صورت مانع فعاليت اقتصادي نميشود زيرا متون اسلامي وتاريخ مسلمانان خود گواه اين حقيقت است .اما آنچه راعرف وتقليد وسنتهاي اجتماعي برزنان مقرر داشته است اسلام مجبور نيست تاپاسخ اين اعتراض رادهد مسؤليتي درين زمينه ندارد . لباسي راكه هند قديم وايران كهن براي ما ميراث گذاشته است نميتواند نمايندگي از لباس اسلامي كند. حكمت حجاب اسلامي اينست كه التذاذات جنسي تنها درمحيط خانواده به همسرمشروع وقانوني انحصار يابد ومحيط اجتماع ساحه ء كار وفعاليت مردان وزنان باشد ، وچيزي از مسايل جنس خاطر شانرا دغدغه نكند . لباس اسلامي نه تنها كه مانع كار وفعاليت نيست كه موجب تقويت آن ميشود . اگر چادري كه ريشه درايران قديم دارد وارتباطي به اسلام ندارد تنها قشر زنان را فلج ميكند بي بندوباري جنسي وخروس مشربي ها نيروي مردوزن را فلج مينمايد طوري كه وظيفه ء زن صرف ساعتها دربرابر آينه وآرايشگاه وكار مرد چشم چرائي وهوسبازي وبي ارادگي ميشود.

اسلام با فرض گردانيدن لباس خاصش ازاستهلاك ثروت وضياع وقت وافساد اخلاق وفروريزي بنياد خانواده جلوگيري ميكند .

آنهائي كه حجاب اسلامي رامانع فعاليتهاي اجتماعي اقتصادي وفرهنگي ميدانند ، ميخواهند بابرداشتن حجاب زن را به عنوان يك انسان برابر بامرد درسهم داشتن دركار هاي جامعه كه اورا ملعبه يي جهت اشباع هوسهاي جنسي خويش مي سازند ويا نيروي زنانگي وعفت وعصمت زن رادر راه تجارت وبدست آوردن پول بكار بندند وبجاي آنكه كيفيت كالاي تجارتي خويش را بالا ببرند جاذبه ء جنسي زن رابراي زيبا جلوه دادن اجناس مورد فروش خويش به كمك مي طلبند، اين كار برعلاوه ء آنكه باموازين اخلاقي سازگار نيست ،ازنظراقتصادي هم كارمفيدي بشمار نمي‌رود .

حال كه هيچ يك ازعوامل يادشده نميتواند علت اصلي آشفته روزي ما باشد ، پس روي چه چيزي ميتوان انگشت نهاد .

علل اصلي عقب ماندگي:

قرآن كريم درآ يه ء ۵۳ سوره ء انفال ميفرمايد : "ذالك بأن الله لم يك مغيرا نعمة انعمها علي قوم حتي يغيروا ما بأنفسهم - اين ، بخاطر آن است كه خداوند هيچ نعمتي راكه به گروهي داده است ، تغير نمي دهد جزآنكه آنها خودشان راتغيردهند" .

ازلابلاي متون ديني واز استقراي صفحات تاريخ تمدنهاي انساني برمي آيد كه اساسي ترين عامل تعين كننده درحيات اجتماعات بشري ، همانا نحوه ء معاملات ذات االبيني مردم وعادات وسلوك روزمره آنهاست . اخلاق وسلوك ومعامله ء مردم علت است واوضاع خوب ويابد اجتماعي، سياسي واقتصادي معلول .

جوامع متشكل از افراد آن است وكشورهاي ما چون از تجمع ما پديد آمده اند همان چيزي هستند كه ما هستيم . قوانين ، روابط وپاليسي هايش بازتابي ازنيات وعملكرد هاي زشت وزيباي جمعي ماست ازهمين روماباید عامل نابساماني ها، ضعف ها وعقب ماندگي ها وويراني هارادر نفس ، روحيات وشيوه ء زندگي خويش جستجو نمائيم .

جوامعي كه دروغ رشوت ،خوردن مال حرام آدمكشي ،عهد شكني تقلب، لاف ،تكبر،حسد تحقيرواستهزاء، دوروئي ظاهرپرستي، دزدي ،تملق،خيانت، بي نظمي،بي تفاوتي، انتقامجوئي، ياغيگري،بي قانوني،استبداد وزورگوئي، شخصيت پرستي معيارقراردادن اصل ونسب ونژاد و ....جزء زندگي روزمره شان باشد چطور ميتوانندقدمي ولو كوچك به پيش گذارند .

در شماره اينده

دبهرنيو مرستو د لګولو په باب دي څيړنه وشي

افغانستان په عنعنوي ډول يو زراعتي هيواد دی چی دخلکو ژوند او اقتصادی چاری له دغه لاری پوره کيدي: سربيره پر دی څه ناڅه اقتصادی منابع يی چی لرلی دتيرو دووتيمو لسيزو جګړو او يا هم دوروستنی څلورکلنی سختی وچکالی په پايله کی له منځه ولاړل: هيواد ويجاړ او کنډواله شوي: خلك يا دجګړولو ويری او يا ځانته ديوی مړی ډوډی دپيداکولو لپاره له خپلو استوګن ځايونو څخه مهاجرت ته اړشول. دکبرودار په دغه لړی کی دملګروملتونو په نړيوالی موسسی پوری اړوند خيريه موسسی او څينو بهرنيو هيوادونو د افغانانو د لاس نيوی او له هغوی سره دورپيښو ګټو ناخوالو په مخنيوی او دغميزو په له منځه وړلوکی صحنی ته راودانګل او په نتيجه کی يی يو زيات شمير خيريه موسسی او انجوګانی را منځ ته شوي. لکه چی وليدل شول له افغانستان سره زياتی مرستی که هغه دبشری حقوقو په برخه، دبياجوړونی. ماين پاکی او يا هم په تولنه کی د منفی پديدو دمخنيوی لپاره وشوي: پرته له دی چی يومرکزی کنترولی پروګرام او سيستم ورته په پام کی ونيول شي: دموسسو او انجوګانو په لاس کی ورکړل شوي. اوهغوی هم په خلاص مټ او خپله اراده څه يی څانونو ته دمعاش او د استوګنی لپاره په ګرانه بيه دمدرنو کورونو جوړول يا په ګرايه نيول او څه يی دموټرونو په رانيولو او دهغوی دسون د موادو په رانيولو و لګيدي: چی اوس هم دغه لړی دوام لري. او پاتی فيصدی داصلی موخو لپاره چی مرستی دهغو لپاره عنوان کيدي: په مصرف رسيږي. نتيجه داشوه چی دمرستو اندازه او هغه کارونه چی دمرستو په مقابل کی ترسره شوی په هيڅ ډول د مقايسی وړشدي. او حتی په څينو برخو کی ډيری کمی محسوسيږي. چی دبيلګی په توګه يی دهيواد جنوبی ولايتونو ته دهغه پنځه کسيزهيئات ريوټ ته چی د تلويزيون له لاری خپور شو ګوته نيولای شو.

پردی سربيره انجوګانی او مختلفی موسسی دهرچا په لاس کی چی ولويدی هغوی بيا هغه دخپلو کورنيو، خپلوانو. انډيوالانو او په يوی خاصی سيمی پوری داړوندو خلکو. په اډی بدلی کړی او پرته له دی نه چی معاشونه يی په افغانستان کی دخلکو له معاش او ورځنی عايد سره پرتله شی څومره يی چی وغوښتل څانونو ته يی معاشونه مقرر او دافغانی ټولنی په نبض کی يی ناانډولی را منځ ته کړه: دولس خلکو او په تيره بيا ددولت په دايرو پوری اړوند با تجربه او کار پوهو مامورينو دخپل ژوند دستونزو دلری کولو او يا هم دزيات معاش دترلاسه کولو لپاره هڅی په کاروانچلوی چی په يو ډول نه يو ډول د موسسو او يا انجوګانو له چارواکو سره رابطه پيدا او هلته ځان مقرر کړي. چی په پايله کی يی دولتی اداری له کارپوهو او تجربه لرونکو کادرونو څخه خالی شوی. او وايی چی دولتی دايری دمرستو د مصرف او په کار اچولو کافی امکانات نلري.

ديادولووړده چی ددی ليکنی هدف دانه دی چی دخصوصی تشبث او يا هم د آزاد بازار مخه دی ونيول شی، بلکی هدف دادی چی نوموړی پيسی دی يا ددولتی ارګانونو تر نظر لاندی مصرف او وويشل شی او يا د داسی اداری دجوړولو بندو بست دي وشی چی په عادلانه ډول دنوموړو مرستو دويش او مصرف نظارت وکړي. څکه خو له بهرنه مرستی د افغانستان ديوه محدود قشر د عيش او نوش لپاره نه: بلکی ددی ملك د بيارغاونی لپاره کيږي. چی په دی حساب د بيت المال حيثيت پيداکوی او بنايی چی دهغو په ويش او مصرف کی له ډير زړه سوی او امانتوالی څخه کار واخيستل شي.

ددی لپاره چی د افغانستان عام ولس او خلك په دی قانع شوی وی چی مرستی پروخت او پرځای لګول کيږي: نو وړانديز کوو چی د افغانستان دولت، ملګری ملتونه او ددونرهيوادونو نمايندګی دی په دی برخه کی تر پخوانه زياته توجه او څيړنه وکړي. او داسی يوه برنامه دی طرح او ترلاس لاندی ونيسی چی له مرسته شويو پيسو څخه زياته او اغيزمنه ګټه ترلاسه شی.

انتخابات ترکیه و پیامد هاي آن

حزب اسلام گراي عدالت و توسعه به رهبري رجب طيب اردوگان در انتخابات پارلماني ترکيه به روز يکشنبه گذشته به پيروزي قاطع و بزرگي نايل گرديد که چنين پيروزي در تاريخ پر آشوب آنکشور بي سابقه بوده است.

در پي سياست ها و پاليسي هاي ناکام بلونت ايجويت نخست وزير ترکيه، محبوبيت او و حکومتش که در پي دستگيري رهبر حزب (پي .کا .کا)عبدالله اوجلان به حد اعلي رسيده بود، رو به افول گذاشت. حتي عده يي وزرا در اعتراض به پاليسي اقتصادي حکومت که منجر به افزايش وامها و ورشکستگي بانکها و مراکز تجارتي و بي ارزش شدن ليره پول رسمي آنکشور گرديد. از حکومت کناره گيري نمودند. اوضاع آشفتهء سياسي و اقتصادي و تلاش ها و خوش خدمتي هاي بي ثمر بلونت ايجويت براي کسب عضويت اتحاديه اروپا دو ماه و اندي وي را به داخل بستر بيماري انداخت و دو حزب مهم ديگر مام ميهن و راه حقيقت بودند که از پيش امتحان خود را بمردم داده بودند.

درميان چنين بحران اعتماد، حزب اسلامگراي عدالت و توسعه بمثابهء اميد رهايبخش يک ملت هفتاد مليوني درخشيد و در انتخابات با اکثريت آراء امروز در آستانه تشکيل دادن حکومت است.

حزب عدالت و توسعه با بدست آوردن ۳۶۳ کرسي از جمله ۵۵۰ کرسي پارلمان ترکيه بدون ائتلاف ميتواند براي بار اول پس از دو دهه، حکومت غير ائتلافي را تشکيل دهد. حزب عدالت همچنان با داشتن دو سوم پارلمان ميتواند قانون لائيک حاکم بر کشور ترکيه را تغيير بدهد.

اگرچه رهبر حزب عدالت و توسعه -رجب طيب- بنابر حکم دادگاه قانون اساسي به دليل شرکت در فعاليت هاي ديني نمي تواند مقام صدارت را بدست بياورد، اما در دوروز آينده يکي از اعضاي اين حزب جهت احراز صدارت معرفي خواهد شد.

رجب طيب چهل وهشت ساله، به اتهام سرودن اين شعار "مساجد بارک هاي ماست، و مناره هاي آن شمشير و سرنيزه، و گنبد و قبه آن کلاه ما، و مومنان سربازان ماست" از سوي دادگاه قانون اساسي در سال ۱۹۸۸ محکوم به ده ماه حبس و انفعال از وظايف دولتي گرديد.

امکان دارد عبدالله معاون حزب بحيث صدر اعظم معرفي گردد.

بلونت ايجويت که يک هفته پيش از انتخابات از حزب عدالت وتوسعه بخاطر گرايش اسلامي به دادگاه قانون اساسي شکايت کرده و خواهان غير قانوني شدن آن گرديده بود در جريان شمارش چند ساعته آرا يکنواخت چشم به تختهء اعلان اسماي برندگان دوخته بود. نتوانست از سه حزب مؤتلفه که حکومت پيشين را تشکيل داده بودند درلست راه يافتگان به پارلمان نامي بيابد، سر انجام به شکست فاحش و تاريخي خود و احزاب مؤتلفه اعتراف نمود و از مقام صدارت استعفا داد و گفت: "اميدوار هستم حزب عدالت و توسعه با در نظر گرفتن نظام سيکولر و دموکراسي مسؤوليت خود را انجام دهد."

پيروزي حزب عدالت و توسعه از سوي جوامع بين المللي و کشور هاي همسايه به استثناي اسرائيل يک گام مثبت در بازسازي اقتصاد ورشکسته ترکيه توصيف گرديد. بدنبال اعلان نتايج انتخابات، بازارهاي بورس ترکيه به آن پاسخ مثبت داده و ارزش سهام بالا رفت.

رجب طيب در جريان مبارزات انتخاباتي و بعد از اعلان نتايج گفت، بهبود وضعيت اقتصادي و راه يافتن به اتحاديه اروپا و گرفتن شانزده ميليارد دالر وام وعده شده از سوي صندوق جهاني پول با درنظرداشت مصالح علياي کشور در صدر برنامه هاي حزب او قرار دارد.

تنها حزب ديگري که توانسته است وارد پارلمان گردد حزب جمهوري مردم به رهبري دينز بايکل با يکصدو هفتاد وهشت کرسي و نوزده فيصد آرا را بدست آورده است.

به اساس قانون ترکيه هر حزبي که نتواند ده فيصد آرا را بدست بياورد حق ورود به پارلمان را ندارد. شانزده حزب ديگر که در انتخابات سهم گرفته بودند و از سوي نخست وزير هاي سابق و اعضاي بلند پايه دولت رهبري مي شدند، نتوانستند به پارلمان راه يابند. اما نه نفر مستقل و آزاد به پارلمان راه يافته اند.

مجتبي مهرورز

رجب طيب بعد از فراغت از مدرسه و با ورود به دانشگاه که اقتصاد مي خواند با نجم الدين اربکان آشنا شد و عضويت حزب او را به دست آورد.

رجب طيب در انتخابات شهرداري شهر استانبول در سال ۱۹۹۴ برنده گرديده و شهر دار اين شهر برگزيده شد و با انجام خدمات شهري مانند تهيه آب آشاميدني بهداشتي وايجاد نظام مواصلاتي منظم شهر ده مليوني استانبول محبوبيت فراوان کسب نمود.

ارتش که سه بار در تاريخ ترکيه کودتا نموده است در سال ۱۹۹۷ به بهانه در خطر بودن نظام سکولر، نجم الدين اربکان را مجبور به استعفا نمود و حزب رفاه را ممنوع اعلان کرد و عده يي از فعالان حزب به شمول رجب طيب را زنداني نمود.

بعد از آن در سال ۱۳۸۰ حزب فضيلت جهت انجام فعاليت اسلامي باز غير قانوني اعلان شد. رجب طيب اوردگان ظاهراً از حزب اربکان جدا شده و حزب جديدي تحت نام عدالت و توسعه با مرام ميانه روي و شعار مسلمان دموکرات بودن و عدم مخالفت با مظاهر غربي تاسيس کرده است.

رجب طيب اکنون حال يک مليون نفري را که در پي ورشکستگي اقتصادي ترکيه وظايف خود را از دست داده اند بخوبي درک ميکند؛ چون او در ايام کودکي خيابان به خيابان آب فروخته و از پول آن کتابها و لوازم مدرسه اش را خريداري کرده است.

پيروزي حزب اسلامگراي عدالت و توسعه به رهبري رجب طيب در ترکيه که تجربه تقريباً نود سال حکومت سکولاريستي را دارد نشان ميدهد که انديشه ها و احزاب سکولاريستي غير ديني براي جامعه هاي اسلامي نمي تواند کار ساز باشد، و گرايش روز افزون مردم ترکيه به انديشه اسلامي و طرح هاي اسلامگرايانه براي مشکلات اجتماعي سياسي آنان مي نمايند که مردم ديگر به افلاس جريانهاي سکولاريستي و عدم سازگاري آنها با روح اين جامعه پي برده اند.

احزاب شکست خورده:

حزب دست راستي مسعود يلماز نخست وزير سابق و تانسو چيلر نخست وزيراسبق ورهبرحزب پيشين آنکشور از زمره احزابيست که نتوانست حتي يک نماينده در انتخابات روز يکشنبه گذشته بدست آرد. حزب مام ميهن يلماز پنج اعشاريه يک فيصد (۵،۱) و حزب راه حقيقت خانم تانسوچيلر نه عشاريه پنج فيصد آرا را بدست آوردند اما نتوانستند معيار قانوني را که ده فيصد است پوره نموده و به پارلمان راه يابند.

حزب مام ميهن و حزب راه حقيقت که سه مرتبه در انتخابات برنده گرديده بودند اينبار از سوي راي دهندگان بخاطر سؤ استفاده از قدرت و فساد اداري ومالي شديداً مجازات گرديدند.

حزب مام ميهن سه سال بعد از کوتاي نظامي تورگيت اورال در سال ۱۹۸۳ پا به عرصه وجود گذاشت، امروز در حال افول است.

يلماز در کابينه ايجويت که معاون نخست وزير بود کرسي خود را در انتخابات جديد از دست داد.

همچنان تانسوچيلر "ملکه آهنين" کرسي خود را از دست داده است.

حزب چپي بلونت ايجويت به سرنوشت راستي ها مبتلا گرديد و به حيات سياسي چهار دهۀ او پايان داده شد. حزب دموکرات ايجويت که در انتخابات سال ۱۹۹۹ اکثر کرسي ها را بدست آورده بود در پارلمان جديد نماينده ندارد. ايجويت پنج بارنخست وزير شده بود.

بلونت ايجويت در سال ۱۹۷۴ که صدر اعظم بود به قبرس حمله کرد و انرا اشغال نمود او همچنان در سال ۱۹۹۹ عبدالله اوجلان رهبر کردها را باز داشت کرد.

انتخابات اخير ترکيه نشان داد باوجود تبليغات گسترده کشورهاي غربي به رهبري امريکا که بعد از يازدهم سپتامبر شدت گرفت نه تنها وجهه مسلمانان را خدشه دار نساخته بلکه به محبوبيت ايشان افزوده: چون ايشان از ميان توده هاي محروم برخاسته اند. حزب عدالت و توسعه اگر بتواند مشکل اقتصادي و مشکل کردها را حل نمايد، آينده خوبي خواهد داشت.

من و دوستم يا هردو از همه اوامر مرکز اطاعت کنيم ...

از استاد پرسيده شد در شرايطی که همه انتظار امن را دارند چه طرح مشخصی برای فروکش کردن در گيری ها داريد، گفت: من پيشنهاد های مشخص در ديدار با زلمی خليل زاد، سفير امريکا، سفير روسيه، سفير انگلستان، معاون وزير دفاع امريکا ووزرای خارجه بعضی از کشور ها که بمزارشريف آمده بودند، در باره تأمين امنيت و راه اندازی پروژه های بازسازی داشتم . وجنگ ديگر در افغانستان جای ندارد ومجاهدين به تعدادی ضرورت جذب اردوی ملی گردند و متباقی بخاطری که از بی سرنوشتی نجات يابند در پروژه های باز سازی کارکنند.

و تازمانيکه مردم از گرو قوماندان ها خلاص نشوند، جنگ های خورد وريزه و کشمکش ها وبی نظمی ها حاکم خواهدبود.

وراه حل ديگر در شمال، يا ما ودوستم تمام حکم و قوانين پذيرفته شده مرکز را پبذيريم و اطاعت کنيم يا يکی در مرکز وظيفه بگيريم و يا هردو ازکار سبکدوش شويم، جنگ در شمال پا يان می يابد.

در باره سفر اخير زلمی خليل زاد نماينده ويژه ايالات متحده امريکا و سفيراين کشور درافغانستان به شمال که ايا آنان طرح مشخصی برای پايان دادن به اين درگيريها داشتند، ستر جنرال محمد عطا گفت: آنان طرح مشخصی در باره نداشتند، به گمان من می خواهند اطلاعات خودرا از اوضاع افزايش بدهند.

قومانداان قول اردوی (۷) در مورد حکومت فدرالی چنين ابراز نظر کرد: اولاً در شرايطی که قرار داريم کوشش شود که حکومت مرکزی قوی داشته باشيم و چون امواج راديو حکم دولت بتمام نقاط کشور درکوه ودره نافذ باشد بايد اردوی ملی بسازيم.

بعد ازآرامش روی حکومت فد رالی فکر شود. من در اصول مخالف نيستم، حکومت فدرالی يک سيستم خوب است در بسياری کشور های جهان وجود دارد ولی سودمند بودن کار برد آن بايد در افغانستان مطالعه شود.

پول جديد در ...

که کشور ما از قبل بحيث پشتوانهء پولي در اختيار داشته ونيز مقادير زياد کمک ارزي به بانک مرکزي کشور با ارزش ثابتي در مقابل ارزهاي خارجي جايگاه خود را حفظ خواهد کرد.

اما در بازار اسعار افغانها در مجموع به ويژه تاجران و سکتور خصوصي با رايج شدن بانکنوت هاي جديد به علت پايين آمدن ارزش افغاني جداً متضرر شدند، از همه مهمتر اينکه تا حال دولت نتوانسته است همان ارزش چهلم بخش دالر را در قسمت افغاني جديد در شهر کابل حفظ نمايد. زيرا همين اکنون يک افغاني با ۷۵حصۀ کلدار وشصت وهشت افغاني با يک دالر تباد له مي شوند،در حاليکه نظر به اعلان و تصميم دولت و بانک جهاني بايد يک افغاني برابر يک و نيم روپيه پاکستاني و چهلم حصهء دالر تبادله شوند، که نياز است در اين مورد نيز مسؤولان بانک و دست اندر کاران امور مالي و اقتصادي دولت به اقدامات لازم توسل جويند و بانکنوت هاي جديد را از بحران کاهش ارزش نجات بخشند. ورنه بحران اقتصادي که بحران هاي اجتماعي و سياسي را نيز در قبال خواهد داشت دامنگير دولت انتقالي اسلامي که ثمرهء دو دهه جانفشاني و از خودگذري مجاهدين و تحمل دردها و رنجهاي بي کران ملت است خواهد گرديد. و يکبار ديگر زمينه هاي مساعد بازسازي کشور از دست خواهد رفت و راه براي غارت گري هاي بيگانه گان و جنگ سالاران اقتصادي که در کمين نشسته اند باز خواهد شد. و اگر به اين مشکل توجه جدي صورت نگيرد، سرنوشت اين بانکنوت ها نيز کمتر از سرنوشت بانکنوت هاي قبلي نبوده، صرفاً مقادير هنگفت پولي به هدر رفته خواهد بود که از بابت چاپ بانکنوت به کشورهاي خارجي پرداخته شده است.

اميد است دولت انتقالي اسلامي بتواند با در نظر داشت حل مشکل اقتصادي مردم در زمينهء تبادلهء پول و حفظ ارزش بانکنوت هاي جديد -که براي مردم ما کم از کم دو ارزش: يکي سهولت انتقال به علت حجم کم و ارزش بلند، و ديگري توحيد پولهاي رايج در کشور را دارد- و ايجاد زمينه هاي سالم فعاليت اقتصادي و کار را جستجو نمايد، تا گامي در جهت وعده هاي داده شده به ملت برداشته شود.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال اول – شماره دوم – دوشنبه ۲۰ عقرب ۱۳۸۱ – ٦رمضان المبارک ۱٤۲۳ – ۱۱ November ۲۰۰۲

محمد ظاهر شاه درافتتاح کمیسیون تسوید قانون اساسی؛

امیداورم کمیسیون تسوید قانون اساسی بابهره گیری از روح اسلامی ودموکراسی بتواند سندخوسبختی ملت افغانستان را فراهم آورد



کمیسیون مستقل تسوید قانون اساسی رسماً افتتاح گردید.

در این محفل معاونان ریاست دولت، اعضای کابینه، حضرت صبغت الله مجددی رئیس دولت سابق افغانستان، کریم آغا خان، زلمی خلیل زاد نماینده رئیس جمهور امریکا، روسای کور دیپلوماتیک مقیم کابل، رئیس و اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی وعده یی از حقوق دانان، دانشمندان وشخصیتهای ملی وفرهنگی اشتراک داشتند.

در آغاز محفل پس از آنکه آیاتی از کلام الله مجید قرائت گردید محمد ظاهر، شاه سابق طی سخنانی کار کمیسیون را رسماً افتتاح نمود.

در قسمتی از سخنان وی آمده است:

هیچ جامعه ای نمی تواند بدون قانون به حیات مدنی خود ادامه دهد. امیدوارم کمیسیون تسوید قانون اساسی با برخورداری از روح اسلامی و دموکراسی بتواند سندی را تهیه نماید که با پیروی از آن خوشبختی و پیروزی ملت افغانستان فراهم گردد.

سپس پوهاند نعمت الله شهرانی رئیس کمیسیون مستقل تسوید قانون اساسی ضمن معرفی اعضای کمیسیون گفت: خوش وقتیم که به سلسله بازسازی در افغانستان کمیسیون تسوید قانون اساسی را افتتاح مینمائیم.

طبق یک خبر دیگر حامد کرزی و استاد نعمت الله شهرانی رئیس کمیسیون تسوید قانون اساسی به خبرنگاران داخلی و خارجی موضوع افتتاح رسمی کمیسیون مستقل تسوید قانون اساسی را اعلام داشتند.

آقای کرزی آغاز کار کمیسیون تسوید قانون اساسی را گام اساسی و مهم در قسمت تحکیم و تقویت صلح و دموکراسی در کشور دانست.

درکمیسیون تدوین قانون اساسی به شمول پوهاند شهرانی هشت تن دیگر بدین شرح عضویت دارند:

۱-پوهاند عبدالسلام عظیمی
۲-محمد موسی اشعری
۳-خانم مکرمه
٤-دکتر محمد موسی معروفی
٥-دکتر محمد قاسم فاضلی
٦-محمد سرور دانش
۷-خانم آصفه کاکر
۸-محمد رحیم شیروزی (معین وزارت خارجه)

چنان که از این اسماء فهمیده می شود اعضای کمیسیون غالباً دریکی از دو زمینهٔ فقه اسلامی ویا حقوق کارشناس هستند.

مولانا فضل الرحمن: **طالبان او القاعده پاکستاني ځمکه نشي استعمالولاي**

دمتحده مجلس عمل مشر مولانا فضل الرحمن په يوه خبري كنفرانس كي وويل چې طالبان او القاعده دترهرگرو عملياتو لپاره دپاكستان ځمكې نه شي كارولي .

مولانا فضل الرحمن چې دپاكستان په وروستيو انتخاباتو كي د يو شپږ گونديز مذهبي اتحاد په مرسته چې ددې ملك په تاريخ كې د لمړي ځل لپاره داسي برياوړيه برخه شوي ، دځه نورو گوندونو په مرسته دپاكستان دصدارت لپاره يو مهم كانديد دي ، دي دطالبانو د حكومت تر نسكوريدواودسپتمبر ديوولسمي نيتهي مخكي دطالبانو دحكومت يو لوي حامي او په شادبونكي شميرل كيده.

عربستان مخالف حمله بر عراق است

وزیر خارجه عربستان سعودی اعلان نمود کشورش نه تنها در عملیات احتمالی علیه عراق که حتی اگر با تصویب شورای امنیت ملل متحد صورت گیرد، همکاری نمیکند. بلکه حاضر نیست به هیچ صورت قلمرو و میدان های هوایی خویش را در اختیار امریکا و انگلستان قرار دهد.

این اظهارات در زمانی صورت می گیرد که امریکا بعد از تعدیل قطعنامهٔ سابقه توانست توافق فرانسه و روسیه را بدست آورد و آنرا تصویب نماید. بموجب این قطعنامهٔ هئیت بررسی میتواند بدون اخطار قبلی از هشت مقر ریاست جمهوری و دیگر نقاط مشکوک بازدید نموده و اگر حکومت بغداد از آن جلوگیری نماید با عواقب شدید مواجه خواهد شد.

قابل ذکر است هفته گذشته طارق عزیز معاون صدر اعظم عراق از کشور عربستان سعودی بازدید نموده و با مامورین عالیرتبه دولتی پیرامون بهبود روابط بحث و مذاکره نمودند.

از نامه های آمده

بکنیم در غم بمانیم، نکنیم چه کار کنیم؟!

به اداره محترم جریده مجاهد اسلام علیکم:

موفقیت و بهروزي همه دست اندر كاران تانرا خواهانم. وبعد:

امیدوارم نامهٔ من را، كه البته نه تنها از من بلكه، مشكلات و درد دل همه مامورین دولت است به نشر بسپارید تا وسیله یي شود و مسوولین متوجه گردند.

قشر روشنفكر، طبقه تحصیل كرده، تودهٔ منور و دست بالاي جامعه هدایتگران از تنگناي تاریكي بسوي روشنگري و ... اینها در ادارات دولتي وظیفه دارند تا از فهم و درایت شان استفاده بعمل آید و باید با آبرو و حیثیت زیست نمایند، محتاج نباشند و هرگاه سران حكومت خواهان پیشرفت جامعه هستند، هرگاه مي خواهند ازین قشر چیز فهم استفاده شود، باید بحال اینها رسیدگي لازم صورت گیرد.

مزدوركار گرسنه به مردهٔ متحرك میماند كه هدفش پیشبرد كار نه، بلكه نظرش بسوي قرص آفتاب است كه چه موقع افول مي كند تا او مرخص شود در صورتي كه شكمش سیر و در آمدش كفایت كننده باشد با عالمي از شوق و اطمینان وباخلوص نیت كار مي كند، تلاش مینماید، عرق مي ریزد كه هم خود راضي است و هم بادار!

مامور دولت هم هرگاه معاش كافي كه معیشت او را بر آورده بتواند به دست آرد ، میتواند با خاطر آرام از ۸-۴ كار كند، پاي گریزي نكند، رشوه نگیرد، در اوقات رسمي ترك وظیفه نموده وظایف شاقه را جهت بدست آوردن لقمه ناني انجام ندهد و مسوولین اداره هم بالترتیب از او گزارش كار بخواهند، در غیر این، ظلم و جبر و نا انصافي و خلاصه بي توجهي است كه در روز مكمل باید پشت میز نشست و البته كار كردن و نكردن مربوط مي شود به درایت شخص و پلان كاري اداره و حكومت، اما معاش هیچ دردي را دوا نكند بهتر است كلمه "معاش" را تغیر دهند ویا به مفهوم آن پي ببرند، در فرهنگ عمید معاش را "زندگانی- وسیله زندگانی—آنچه به وسیله آن زندگي كنند از خوردني و نوشیدنی" معني كرده است. به پول جدید الرایج بلندترین "معاش!" دوهزار افغاني، با این میشود زندگي كرد وكار نمود!

خوبست بنام اداره دولت تعدادي وزیر و مشاور و رئیس و... باشند و حاضري و رسمیات این طبقهٔ فقیر (مامور) را از ۸_۱۲ بسازند كه بعد از آن تا شام دست بكار شاقه یي دیگري یازیده و نان خوردن خود و عالیه اش را بدست آورد.

روزي با یكي از دوستانم بازار رفتیم اومیل خوردن شورنخود را كرد، از شورنخود فروش پرسیدم، روزانه چند عاید داری؟ گفت: ۴_۵ لک میشود. گفتم: نسبت به مامورین خوب عاید داری. گفت: "والله خرچه پوره نمي كنه." حال به سنجش گرفته شود پنجاه هزار روزانه اجورهٔ مامور را!!

در مملكتي كه دستگاه هاي توليدي و زمينه كار مساعد نيست واقتصاد مردم هم ضعيف ومعاش! دولت هم غير عادلانه و اينطوری، نرخ قيم هم چون كهكشان گردن برافراخته، چگونه بايد زندگي كرد! پس همه مامورين زمزمه كنيد كه:

بکنیم به غم بمانیم
نکنیم چه کار کنیم!!!
(مامور خدایداد)

افتتاح پارلمان پاکستان به تعویق افتاد

جنرال مشرف، بدنبال پیشنهاد حزب مسلم لیک قائداعظم طرفدار جنرال مشرف ، مبنی بر تعویق انداختن تشکیل حکومت، یک هفته دیگر به احزاب فرصت داد تا آغاز مباحث پارلمانی در هفتهٔ آینده میان خویش به بحث و مذاکره بپردازند.

قرار بود به روز جمعه گذشته، جلسات رسمی پارلمانی توسط سخنانی ازجنرال مشرف آغاز شده و بعد از جر و بحث صدر اعظم و سخنگوی پارلمان برگزیده شود.

حزب مردم به رهبری بینظیر بوتو صدر اعظم سابقه آنکشور که فعلاً در تعبید به سر میبرد در آستانه یک توافق با حزب مجلس عمل متحد میباشد که متشکل از شش حزب اسلامی است، آنان بر صدارت مولانا فضل الرحمن توافق نموده اند. بهمین علت بود که حزب مسلم لیک قائداعظم از جنرال مشرف خواست تا افتتاح پارلمان را به تعویق باندازد.

قرار یک خبر دیگر، پرویز مشرف سخت تلاش دارد تا حکومتی متشکل از حزب مسلم لیک قائد اعظم که در انتخابات ماه گذشته ۱۰۳ کرسی بدست آورد، و حزب مردم پاکستان به رهبری بی نظیر بوتو با ۸۱ کرسی، تشکیل شود. در قدم اول پرویز مشرف و عده نموده است در صورت حاضر شدن حزب مردم، او آصف زرداری شوهر بی نظیر بوتو را آزاد خواهد کرد. مشرف با این ابتکار میخواهد جلو رویکار آمدن حکومت متشکل از احزاب اسلامی و حزب بی نظیر را جلوگیری نماید.

هر حکومتی که در اسلام آباد رویکار بیاید یک حکومت ائتلافی وضعیف و شکنند بوده و دوام نخواهد آورد.

با استفاده از تجارب گذشته، رئیس جمهور با عنوان کردن دلایلی سر انجام آنرا منحل خواهد کرد.